



هنر چین

مری تریگیر

ترجمه‌ی فرزانه طاهری

انتشارات فرهنگستان هنر

هجدهم ق.م)، هنر رسمی و عصر مفرغ (قرن هجدهم تا دوازدهم ق.م)، شان و تزیینات (قرن دوازدهم تا سوم ق.م)، ملی‌گرایی و بیان‌گری (قرن سوم ق.م تا قرن سوم م)، تأثیر آیین بودایی (قرن اول تا دهم م)، جهانی‌گرایی و بازیگری (قرن چهارم تا دهم م)، فضا و یادمان‌سازی (قرن دهم تا اوایل دوازدهم م)، دربار و هنرهای بودایی چان (اوایل قرن دوازدهم تا اوایل قرن چهارم م)، سنت و نوآوری (قرن چهاردهم تا پانزدهم م)، التقاط و نوآوری (قرن پانزدهم تا هفدهم م)، فردگرایی و خرق عادت (قرن هفدهم تا هجدهم م)، جست‌وجو‌گری و نابسامانی (قرن نوزدهم تا بیستم م). کتاب هم‌چنین با کتاب‌شناسی گزیده، نقشه‌ها، فهرست تصاویر، اصطلاحات، واژه‌نامه و نمایه و تصاویر همراه شده است.

همان‌گونه که از پیش‌گفتار کتاب برمی‌آید در چین شمایل‌نگاری بودایی نقشی مهم در پیکره‌سازی و نقاشی داشته است. از آنجایی که رشد لایه‌بندی در جامعه‌ی چین تنوع بیشتر در سبک‌های هنری و مواد و مصالح کار را اقتضا می‌کرد، از همان مراحل نخستین، مهارت در تزیینات سطح چه با کنده‌کاری روی سنگ یا ریخته‌گری فلزات، در چین به وجود آمد. از دوره‌ی زمامداری دودمان هان، نقاشی و خوشنویسی معتبرترین شاخه‌های هنر بیانی چین بوده‌اند. امروزه هنر در چین از سبک خاصی پیروی می‌کند و هنوز به سنت‌های خود وفادار است. چنان‌که می‌آید: با اینکه هنرها و هنرهای کاربردی در چین، پیوسته مفاهیم خارجی را جذب کرده‌اند، همگی گویی سبکی قابل شناسایی دارند، و این گواهی است بر ثبات جامعه چین برای شناساندن سبک چینی باید پیچیدگی فرهنگی‌ای را لحاظ کند که طی پنج هزار سال ساخته شده بدون آنکه چیزی را به دور اندازد. کهن‌گرایی در چین، که با پیچیدگی غریبی همراه بوده است، گویی سبب شده که ذوق متکی به خویش دست نخورده باقی بماند و سبکی چند وجهی خلق شود.

معرفی اندیشه‌ی هنری تمدن‌های کهن و مانای مشرق زمین که در دوره‌های گوناگون تاریخی در ارتباط و تعامل – تأثیرپذیری و تأثیرگذاری – با فرهنگ، هنر و تمدن ایرانی بوده‌اند، یکی از حوزه‌هایی است که نیازمند بررسی است. ادبیات و هنر چین در طول هزاران سال وابستگی متقابلی به یکدیگر داشته است. اما فرهنگ چینی را نمی‌توان سنتی خالص دانست چرا که شکل دهی به گنجینه‌ای از سبک‌های گوناگون، بدون ارتباط و علاقه به نقش‌مایه‌های خارجی از همسایگان شرقی و غربی‌اش ممکن نبوده است، با این حال عشق به سنت، عاملی بوده که چین فرهنگ هنری یکپارچه‌ای داشته باشد. بی‌شک یکی از پرنفوذترین واردات، پذیرش آیین بودایی در قرن دوم ق.م بود که فرهنگ دینی و فلسفی جدیدی را با هنر و شمایل‌نگاری ملازم آن به چین آورد. در پی آن سبک‌های نقاشی فیگور و پیکره‌سازی و الگوهای جدید در طراحی معابد در طی زمان جذب شد.

در واقع تأثیر دین بودا بر هنرها در چین به تدریج محسوس تر شد. همان‌گونه که سنت‌های روایی بودایی فرهنگ ادبی چین را غنی‌تر می‌کرد، سنت‌های بودایی شمایل‌نگاری، ساخت معبد و مقبره، و نقاشی بر طومار و دیوار، امکانات تازه‌ای را به فرهنگ چین ارائه کرد. چینی‌ها در پیکره‌سازی و نقاشی، شمایل‌نگاری بودایی را گرفتند و آن را با نظام اعتقادی خود منطبق کردند، اما معابد بودایی عیناً الگوی معابد تائوئیستی و کنفوسیوسی چین قرار گرفت.

طومارهای ابریشمی و کاغذی جانشین «کتاب» اسناد دوره‌ی هان شد. طومار آویزی در اندک مدتی در کنار طومارهایی که با دست باز می‌شد قرار گرفت و در نقاشی، این قطع محبوبیت یافت. در واقع آیین بودایی از این جهات و بسیاری جنبه‌های دیگر، تأثیر فراوانی در هنر چین بر جای گذاشت.

کتاب حاضر در دوازده فصل ارائه شده است شامل: صنایع دوره‌ی نوسنگی (حدود هزاره پنجم تا قرن